



موانع تجاری در مبادلات بین کشورهای در حال توسعه

در اینجا به علت فقدان اطلاعات، تعداد کشورهای مورد مطالعه که محدودیتهای مقداری از آنها را می‌توان مورد بررسی قرار داد، به ۱۸ کشور تقلیل می‌یابد.

فراوانی و پوشش تعرفه‌های ویژه

جداول (۵) و (۶) به ترتیب شامل شاخصهای فراوانی و پوششی نرخهای تعرفه ویژه برای کل واردات صنعتی و برای ۵ زیرگروه آن می‌باشند. با مطالعه این جداول، اطلاعات ذیل را می‌توان بدست آورد:
تعرفه‌های ویژه، بطور گسترده بعنوان ابزار سیاست تجاری بکار گرفته می‌شوند. از ۴۵ کشوری که در نمونه ما مورد مطالعه قرار

تعرفه‌های ویژه و محدودیتهای کمی

در این بخش، یک تجزیه و تحلیل توصیفی از تعرفه‌های ویژه و محدودیتهای کمی که مانع تجارت کالاهای وارداتی است، ارائه می‌گردد. توجه ما اولاً معطوف به تعیین میزان تجارتی است که مشمول تعرفه‌های ویژه و محدودیتهای کمی می‌باشد. ثانیاً این موضوع مورد نظر ماست که آیا ساختار مشخصی در ارتباط با موارد تعرفه‌های ویژه و محدودیتهای کمی از اطلاعات موجود قابل تمیز است یا خیر؟ و در صورت پاسخ مثبت تا چه حد این ساختار مرتبط یا منحرف از ساختار ویژه حمایت‌های تعرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه است.

گرفته‌اند، ۳۹ کشور گزارشات خود را ارائه داده‌اند. با این همه بجز شش استثناء، فراوانی نرخهای تعرفه ویژه پایین است و معمولاً از چند درصد تجاوز نمی‌کند (گاهی جدول شماره ۵): شاخصهای فراوانی و پوششی تعرفه‌های ویژه برای کل بخش تولیدات صنعتی در کشورهای در حال توسعه منتخب.

کشور	UAT (میانگین ناموزون تعرفه‌ها)	IWAT (میانگین موزون تعرفه‌ها)	کشور	UAT (میانگین ناموزون تعرفه‌ها)	IWAT (میانگین موزون تعرفه‌ها)
الجزایر	-	-	زیمبابوه	۴/۳	۰/۵
جماهير عرسى لیبى	-	-	توگو	۱/۱	۱۴/۲
مراكش	۰/۲	۰/۶	جمهوری متحده تایوان	۰/۷	۳/۴
سودان	۱/۰	۷/۲	مکزیک	-	-
تونس	۰/۲	۰/۴	پاراگوئه	-	-
مصر	۰/۲	۰/۷	باهاما	۳/۴	۰/۵
سوروندی	۱/۴	۰/۵	هاییتی	۲۷/۲	۰/۵
رئیس	۰/۹	۰/۵	قبرس	۲/۶	۵/۶
انتویپی	۹/۹	۲۲/۰	جمهوری اسلامی ایران	۳/۰	۰/۵
گامبیا	۳/۳	۰/۵	عربستان سعودی	۰/۴	۰/۹
غنا	۲/۷	۴/۱	جمهوری عربی-سوریه	۴/۰	۲۳/۴
کینه	۰/۵	۰/۵	سنگلادش	۱/۶	۱۴/۳
ساحل عاج	۱/۱	۰/۵	سريلانكا	۱/۴	۱۸/۵
کینیا	۱/۹	۵/۶	هندوستان	۱/۸	۰/۵
لیبیریا	۲/۲	۸/۴	اندونزی	۸/۷	۱/۲
موریتانی	-	-	جمهوری کره	۰/۱	۴/۹
موریس	۰/۴	۱/۱	مالزی	۹/۸	۲۳/۱
نیجر	۰/۹	۲۷/۰	نیپال	۵/۸	۰/۵
سجریه	۲/۹	۵/۱	پاکستان	۷/۳	۰/۵
روآندا	۰/۹	۰/۵	فیلیپین	۱/۳	۹/۲
سرالئون	۱/۷	۰/۵	سنگاپور	۳/۲	۹/۰
سومالی	۰/۹	۲/۷	تایلند	۵/۰	۱۹/۲
			سوکلاوی	۵/۰	۱۹/۲

د.ن: در دست نیست

در حدود $\frac{2}{3}$ از محدودیت‌های کمی بر واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و در حدود $\frac{1}{3}$ از محدودیت‌های کمی نیز بر کالاهای مصرفی بی‌دوام اعمال می‌گردد.

کالاهای مصرفی بی‌دوام و کالاهای سرمایه‌ای بندرت مشمول تعرفه‌های ویژه قرار می‌گیرند.

یک بررسی دقیق‌تر از موارد تعرفه‌های ویژه در سطح کالائی، ویژگی‌های جالبی را آشکار می‌سازد. چنین بنظر می‌رسد که در اکثریت کشورها، تعرفه‌های ویژه خیلی زیادی بر نوشیدنی‌ها و دخانیات اعمال می‌گردد، ضمن اینکه در مورد دخانیات تمایل بیشتری برای اعمال تعرفه‌های ویژه وجود دارد. یک شاخص پوششی ۱۰۰ درصد یا نزدیک به آن چندان غیر معمولی نیست.

میزان نرخهای تعرفه ویژه در مورد کالاهای مصرفی بی‌دوام بطور کلی نسبتاً پائین است، البته بعضی از محصولات غذایی از این امر مستثناء هستند. این استثناء میانگین و در تعدادی از کشورها بخصوص- شاخص پوششی را بالا می‌برد (مورد اخیر تقریباً بدون استثناء مربوط به یک کالا یعنی شکر تصفیه شده می‌شود).

در میان کالاهای واسطه‌ای، منسوجات، مواد شیمیائی صنعتی، سایر محصولات شیمیایی، تقطیرات نفتی و محصولات صنعتی، گروه کالاهائی هستند که غالباً

هائیتی با $27/4$ درصد بالاترین شاخص فراوانی را دارد.

چنین بنظر می‌رسد که شاخص پوششی از شاخص فراوانی در همه کشورها (بجز اندونزی) در سطح بالاتری قرار دارد. در موارد معدودی، این اختلاف اساسی است. بالاترین ارزش شاخص پوششی برای نیجریه است که در آن $27/0$ درصد واردات صنعتی تحت تأثیر تعرفه‌های ویژه می‌باشد. همچنین ارزشهای بالای شاخص پوششی برای اتیوپی، جمهوری عربی سوریه، مالزی و تایلند به ترتیب برای $22/0$ ، $23/4$ ، $23/1$ و $19/2$ درصد می‌باشد. این موضوع بیانگر آن است که اعمال تعرفه‌های ویژه ابزار مؤثری برای کسب درآمدهای دولت می‌باشند. بنظر می‌رسد که در اندونزی اعمال سیاستهای حمایتی موجب رواج تعرفه‌های ویژه بوده است.

تعرفه‌های ویژه بطوریکسان در میان گروههای مختلف کالائی توزیع نشده است. همانطور که در پنج بخشی که در جدول (۶) ارائه شده است دیده می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به واردات نوشیدنی‌ها و دخانیات و پس از آن مربوط به کالاهای مصرفی بی‌دوام و کالاهای واسطه‌ای می‌باشد.

تعرفه‌های ویژه‌ای بر آنها اعمال می‌گردد.

در بسیاری از کشورها، بخصوص شاخص پوششی واردات تقطیرات نفتی بالا می‌باشد، غالباً تعرفه ویژه‌ای بر بنزین معمولی، بنزین هواپیما و نفت گاز اعمال می‌شود. در یک سری از این کشورها بر منسوجات تعرفه‌های ویژه اعمال می‌گردد که معمولاً شامل نخ و پارچه‌های پنبه‌ای و الیاف مصنوعی می‌شود.

در واقع، تنها چهار محصول (شکر تصفیه شده، نوشیدنی‌ها، دخانیات و انواع مختلف روغنهای سبک نفتی) بشدت تحت تأثیر تعرفه‌های ویژه واقع می‌شوند. رجحان برای این چهار محصول به یک سری از خصوصیات که همه آنها بطور مشترک حائز آن می‌باشند، مربوط می‌شود.

اولاً، تجارت در این کالاها به راحتی برحسب مقدار قابل بیان است، زیرا این محصولات کاملاً همگن هستند و این امر پیش شرطی جهت بکارگیری نرخهای ویژه می‌باشد.

ثانیاً، آنها می‌توانند بعنوان کالاهای لوکس قلمداد شوند.

ثالثاً، واردات این محصولات اغلب با جایگزینهای داخلی قابل رقابت نیستند و یا تقاضا برای آنها نسبتاً بی‌کشش می‌باشد.

به لحاظ همین دلایل است که اعمال نرخهای تعرفه ویژه برای این چهار محصول می‌تواند بعنوان هدفی جهت کسب درآمدهای دولت محسوب شود.

البته، همچنین سیاستهای حمایتی، زمینه‌ای جهت اعمال تعرفه‌های ویژه به حساب می‌روند. یک نمونه آشکار چنین سیاستی، در تعدادی از کشورها که در آنها تعرفه‌های ویژه بر محصولات نساجی اعمال می‌گردد، دیده می‌شود. در اندونزی، مالزی و به میزان کمتری در ایتالیایی، طیف گسترده‌ای از کالاهای مصرفی و واسطه‌ای تحت تأثیر تعرفه‌های ویژه هستند.

این کالاها عبارتند از: محصولات متنوع غذایی، منسوجات، لباس (در اندونزی)، کفش (اندونزی)، محصولات کائوچویی، محصولات پلاستیکی، آهن، فولاد، سیمان و انواع لامپ. بدون شک بوسیله تعرفه‌های ویژه از صنایع داخلی حمایت بعمل می‌آید اقامت، عموماً کاربرد تعرفه ویژه به عنوان یک ابزار حمایتی خیلی مؤثر بنظر نمی‌رسد.

موارد مشمول سه گروه از محدودیتهای کمی

جدول (۷) شاخصهای فراوانی و پوششی محدودیتهای کمی بر واردات کل تولیدات صنعتی را در هجده کشور در حال توسعه در سه گروه زیر نشان می‌دهد:

- ۱ - محدودیت در صدور جواز
- ۲ - انواع مختلف سهمیه بندی‌ها
- ۳ - ممنوعیت‌های وارداتی به هر دلیلی.

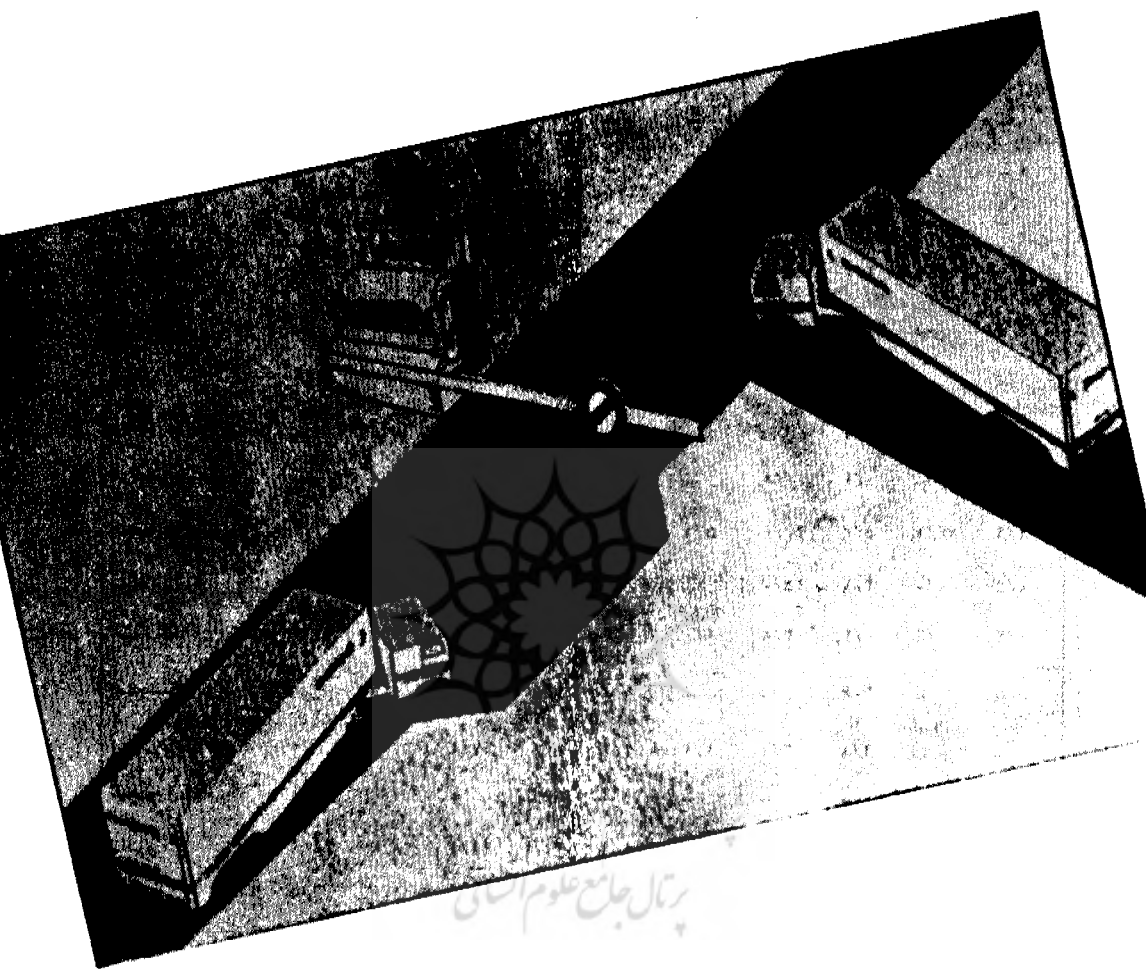
مع‌هذا، تشخیص نوع محدودیت گاهی

جدول شماره (۶): شاخص های فراوانی و پوشش تعرفه های ویژه برای گروه های کالائی صنعتی
 عمله در کشورهای در حال توسعه منتخب.

V		IV		III		II		I		گروه کالائی	کشور
F1	C1	F1	C1	F1	C1	F1	C1	شاخص فراوانی F1	شاخص پوششی C1		
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	الجزایر
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	جم‌البحرین لیبی
-	-	-	-	-	-	۱۷/۹	۸۷/۹	-	-	-	مراکش
-	-	۰/۹	۱۴/۳	-	-	۲۷/۴	۹۸/۵	۰/۴	۰/۴	-	سودان
-	-	-	-	-	-	۱۲/۵	۹۲/۰	۰/۴	۰/۰	-	تونس
-	-	-	-	-	-	۲۷/۳	۹۴/۶	-	-	-	مصر
۰/۷	-/۰	۰/۷	د.ن	-	-	۷۰/۳	د.ن	-	-	-	بوروندی
-	-	۰/۶	د.ن	۱/۴	-/۰	۶۶/۷	د.ن	-	-	-	زئیر
-	-	۱۶/۳	۳۵/۷	-	-	۷۹/۳	۸۶/۴	۲/۵	۲۹/۵	-	اتیوپی
-	-	۳/۲	د.ن	-	-	۱۰۰/۰	د.ن	۱/۷	د.ن	-	گامبیا
-	-	۲/۴	۵/۹	-	-	۷۸/۶	۹۱/۳	-/۹	۵/۶	-	غنا
-	-	۰/۹	د.ن	-	-	-	-	۰/۳	د.ن	-	گینه
-	-	۱/۵	د.ن	-	-	۱۴/۹	د.ن	۰/۳	د.ن	-	ساحل عاج
-	-	۲/۰	۱۱/۱	-	-	۵۱/۶	۶۵/۵	۰/۶	۱/۲	-	کنیا
-	-	۲/۱	۱۷/۵	-	-	۵۷/۸	۶۰/۳	۰/۵	۷/۶	-	لیبریا
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	موریتانی
-	-	۰/۸	۱/۸	-	-	-	-	-	-	-	موریس
-	-	۰/۶	۴۵/۹	-	-	۲۵/۴	۶۵/۶	۰/۱	۱/۱	-	نجر
-	-	۲/۸	۲/۸	-	-	۶۸/۲	۱۰۰/۰	۳/۸	۲۳/۶	-	نجریه
-	-	۰/۳	د.ن	-	-	۶۱/۹	د.ن	-	-	-	روآندا
-	-	۱/۲	د.ن	-	-	۵۱/۱	د.ن	۰/۵	د.ن	-	سیرالئون
-	-	۱/۵	۳/۱	-	-	-	-	۰/۷	۷/۷	-	سومالی

V		IV		III		II		I		گروه کالانسی	کشور
FI	CI	FI	CI	FI	CI	FI	CI	شاخص فراوانی	شاخص پوششی		
-	-	۵/۰	د۰ن	-	-	۸۲/۱	د۰ن	۲/۰	د۰ن		زیمبابوه
-	-	۰/۶	۵/۴	-	-	۵۸/۸	۹۷/۷	۰/۳	۲۲/۴		توگو
-	-	۰/۶	۴/۵	-	-	۲۲/۳	۸۹/۷	۰/۶	۱۸/۶	نیا	جمهوری متحده تانزانیا
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-		مکزیک
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-		پاراگوئه
۱/۱	د۰ن	۲/۷	د۰ن	۲۰/۸	د۰ن	۴۵/۸	د۰ن	۲/۴	د۰ن		باهاما
۴/۵	د۰ن	۴۲/۲	د۰ن	۲/۰	د۰ن	۵/۲	د۰ن	۱۶/۴	د۰ن		مائیتسی
-	-	۲/۷	۵/۸	-	-	۷۷/۸	۹۹/۷	۲/۱	۱۰/۴		فیرس
-	-	۶/۱	د۰ن	-	-	-	-	-	-		جمهوری اسلامی ایرا ^ن
-	-	۰/۲	۰/۰	-	-	۳۷/۰	۶۲/۱	-	-		عربستان سعودی
۱/۹	۱۶/۱	۵/۳	۲۳/۶	۵/۱	۲۳/۴	۲۵/۰	۸۱/۹	۲/۲	۴۱/۴		جمهوری عربی سوریه
۰/۵	۰/۰	۲/۰	۲۵/۰	-	-	۳۳/۳	۱۰/۶	-	-		بنگلادش
۰/۳	۰/۲	۰/۳	۳/۸	۲/۰	۳/۳	۶۶/۷	۲۹/۵	۲/۰	۷۹/۱		سريلانکا
-	-	۲/۶	د۰ن	-	-	۱۱/۱	د۰ن	۰/۳	د۰ن		هندوستان
-	-	۱/۸	۲/۰	۲/۲	۱/۲	۳۴/۰	۱۷/۱	۲۷/۳	۶/۲		اندونزی
-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۶	۵۹/۱		جمهوری کره
۲/۴	۰/۵	۱۲/۹	۴۵/۸	۹/۷	۱/۹	۲۷/۳	۴۱/۱	۸/۷	۴۸/۸		مالزی
-	-	۱۰/۴	د۰ن	-	-	۵/۰	د۰ن	۱/۶	د۰ن		نیپال
-	د۰ن	۱۱/۴	د۰ن	۴/۳	د۰ن	۶۰/۰	د۰ن	۱/۳	د۰ن		پاکستان
-	-	۱/۹	۱۷/۸	-	-	۲۶/۳	۶۲/۱	۰/۲	۰/۶		سلیبین
-	-	۲/۱	۲۰/۹	۵/۴	۱/۰	۸۶/۰	۵۲/۹	۱/۳	۳/۸		سنگاپور
۰/۳	۰/۹	۷/۸	۳۱/۴	-	-	۷/۱	۰/۱	۲/۹	۳۰/۸		تایلند
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-		یوگسلاوی

د۰ن: درست نیست



پرتال جامع علوم انسانی

جهت افزایش تمایل کشورها به منظور پیوستن به سیستم جهانی رجحانهای تجاری (GSTP)، باید سهم تعرفه‌ها در درآمد کشور کاهش یابد، بطوری که کشورهای با تعرفه بالا، با درصد کمتری از کاهش، مواجه شوند.

که مشمول این محدودیتها می‌شود در حدود ۲۶/۵ درصد (میانگین موزون مساوی با ۱۶/۳ درصد است) می‌باشد.

متداول‌ترین ضابطه مورد استفاده، روش اعطای جواز است. این روش در پانزده کشور از هجده کشور مورد مطالعه ما بکار می‌رود. و بطور متوسط بر ۱۴/۸ درصد (میانگین موزون مساوی ۱۵/۱ درصد است) از مجموع تعرفه‌ها و ۲۲/۴ درصد (میانگین موزون مساوی با ۱۴/۸ درصد است) از واردات کالاهای صنعتی تأثیر می‌گذارد. دومین مورد مشمول این محدودیت‌ها، ممنوعیت‌های وارداتی می‌باشد که بطور متوسط بر ۲/۲ درصد (میانگین موزون مساوی با ۱/۵ درصد است) از مجموعه تعرفه‌ها تأثیر می‌گذارد. باید توجه داشت که ممنوعیت وارداتی همیشه مطلق نیست بلکه در عمل هنوز ۱/۳ درصد (میانگین موزون مساوی ۰/۵ درصد است) از واردات کالاهای صنعتی کشورهای مورد مطالعه توسط کالاهای وارداتی ممنوع تأمین می‌گردد. با کمال تعجب سیستمهای سهمیه‌بندی که

دشوار است، چرا که عموماً یک سری تعرفه‌ها بیش از یک نوع محدودیت را شامل میشوند. برای مثال، انواع مختلف مجوزهای وارداتی مورد نیاز هستند، یا یک مجوز وارداتی علاوه بر سهمیه وارداتی مورد اجرا می‌باشد. در محاسبه شاخصهای فراوانی و پوششی، در مواردی که دو محدودیت کمی یا بیشتر برای یک سری از تعرفه‌ها بکار می‌رود، طبقه‌بندی بر حسب کمترین تا بیشترین محدودیت صورت می‌گیرد. علاوه بر این محدودیت گاهی جزئی است. در تعدادی از کشورها، این امر بخصوص مصداق دارد که با وجود ممنوعیت کلی واردات زمینه‌های اقدامات استثنائی مشخص نشده است. شاخصها در جدول (۸) شامل همه موارد محدودیت‌های کمی جزئی و غیرجزئی است.

محدودیت‌های کمی بطور متوسط در مورد ۱۹/۲ درصد (میانگین موزون مساوی با ۱۷/۱) درصد است) از مجموعه تعرفه‌ها — در کشورهای نمونه — بکار می‌روند، در حالی که میانگین پوششی یا درصدی از تجارت

(I): Licensing Procedures

واردات را محدود می‌کنند در کشورهای مورد مطالعه زیاد مرسوم نمی‌باشند.

در حقیقت، تنها کنیا و فیلیپین بطور وسیع از سهمیه بندی واردات استفاده می‌کنند، با اینهمه، این میانگین‌ها تفاوت زیاد فراوانی و پوشش تجاری محدودیتهای کمی در کشورهای مختلف را مخفی می‌سازند. بالاترین ارزش شاخصهای فراوانی و پوششی را کشور غنا دارا می‌باشد که به ترتیب مقدار آنها $69/4$ و $65/5$ درصد است و در جماهیر عربی لیبی این شاخص‌ها دارای کمترین ارزش یعنی $0/7$ و صفر درصد می‌باشند. در کشورهای مانند غنا، کنیا و عربستان سعودی، شاخص فراوانی کل محدودیتهای کمی بیشتر از شاخصهای پوششی مربوطه است. در مقابل، شاخصهای پوششی نسبت به شاخصهای فراوانی در کشورهایمانند قبرس، سریلانکا، جمهوری کره و فیلیپین دارای ارزشهای نسبتاً بالاتری هستند. البته نمی‌توان این گونه استنباط کرد که در کشورهای آنکه شاخص پوششی از شاخص فراوانی بیشتر است محدودیتهای کمی مورد بحث نباید اثر تجاری محدودکننده ویژه‌ای داشته باشند. در واقع آنها مطمئناً چنین اثری دارند، حتی اگر تنها به دلیل وجود-داشتنشان و عدم اطمینان از کاربردشان باشد.

این برداشت حاصل آمده است که جدای از تفاوت بین فراوانی محدودیت‌های

کمی در هر کشور باید اختلافات مشخصی در هر کشور از نظر ماهیت، هدف و تأثیر انواع محدودیتهای کمی وجود داشته باشد. بنظر می‌رسد انواع خاصی از محدودیتهای کمی از اهمیت کمتری برخوردار باشند، چنان که می‌توانند بامثالهای زیر مشخص گردند: واردات برخی از فرآورده‌های گوشتی و نوشیدنی‌ها بطور اکید در جماهیر عربی لیبی ممنوع هستند. هیچ نوع راه گریز قانونی یا یک تعرفه وارداتی قابل اجرا وجود ندارد. بنابراین شاخص پوششی صفر است. از طرف دیگر در لیبیا، واردات شکر آماده با یک تحریم رسمی وارداتی مواجه است. مع هذا حقوق گمرکی واردات یا دامنه‌ای از 15 تا 96 درصد بر واردات کالاهای آماده مختلف اعمال می‌شود و در واقع $2/5$ درصد از واردات کالاهای ساخته شده لیبیا از شکر آماده تشکیل می‌گردد. بنگلادش و تایلند ممنوعیتهای کلی و جزئی را بر واردات طیف وسیعی از کالاها اعمال می‌کنند که در عین حال این کالاها مواجه با تعرفه‌های وارداتی نیز هستند. همینطور در بنگلادش و تایلند برای هر دو گروه از ممنوعیتهای وارداتی، واردات ثبت شده است که به ترتیب $11/0$ و $4/8$ درصد از کل واردات کالاهای ساخته شده صنعتی را تشکیل می‌دهند.

در ارتباط با رایج‌ترین شیوه‌های استفاده از جواز وارداتی، در صورتی که درخواست‌های مقامات مربوطه رعایت گردد

جدول شماره (۷): شاخصهای فراوانی و پوششی سه نوع محدودیت کمی برای کل واردات صنعتی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه.

کشور	کل محدودیت‌های کمی		اعطای جواز		سه‌میه‌بندی		منوعیتها	
	شاخص پوششی [۱]	شاخص فراوانی [۲]	[۱]	[۲]	[۱]	[۲]	[۱]	[۲]
جم‌ا‌ه‌ر ع‌ر‌س‌ی ل‌ب‌ن‌ی	۰/۰	۰/۷					۰/۰	۰/۷
غنا	۵۶/۵	۶۹/۴	۴۵/۰	۵۰/۹			۲/۵	۱۸/۵
کنیا	۱۹/۹	۲۵/۱		۱۹/۹	۲۵/۱			
ل‌م‌ب‌ر‌ی‌ا	۸/۱	۴/۰	۵/۶	۳/۴			۲/۵	۰/۶
ن‌م‌ج‌ر‌ی‌ه	۵۳/۷	۵۶/۵	۵۲/۱	۲۴/۳			۱/۶	۱۲/۲
ت‌و‌گ‌و	۱۰/۱	۲/۹	۱۰/۱	۲/۹				
م‌ک‌ز‌ب‌ک	۲۰/۱	۶/۵	۱۹/۸	۶/۴			۰/۳	۰/۱
ت‌م‌ر‌س	۴۷/۲	۲۶/۷	۴۷/۲	۲۶/۷				
ع‌ر‌س‌ت‌ان س‌ع‌و‌د‌ی	۱/۵	۹/۷	۱/۴	۹/۱			۰/۱	۰/۶
ن‌ن‌گ‌ل‌اد‌ش	۴۵/۹	۲۵/۶	۳۲/۴	۲۲/۶	۰/۵	۰/۲	۱۱/۰	۲/۸
س‌ر‌ی‌لان‌کا	۴۹/۳	۱۹/۵	۴۹/۳	۱۹/۵				
ان‌د‌و‌ب‌ر‌ی	۲۲/۸	۱۰/۱	۳۱/۲	۹/۷	۱/۵	۰/۱	۰/۱	۰/۳
ج‌م‌ه‌و‌ر‌ی ک‌ر‌ه	۲۷/۹	۲۳/۰	۴۷/۹	۲۳/۰				
س‌ال‌ر‌ی	۶/۱	۳/۰	۶/۰	۲/۷			۰/۱	۰/۳
پ‌اک‌س‌ت‌ان	۳۴/۸	۳۶/۷	۳۴/۸	۳۶/۵	۰/۰	۰/۲		
ف‌ی‌ل‌ی‌پ‌ین	۲۷/۹	۱۳/۵		۲۷/۷	۲۷/۷	۱۳/۲	۰/۲	۰/۳
س‌ن‌گ‌اپ‌ور	۳/۱	۴/۸	۳/۱	۴/۶			۰/۰	۰/۲
س‌ای‌ل‌ند	۱۱/۸	۷/۷	۷/۰	۴/۳	۳/۴			۴/۸
م‌ی‌ان‌گ‌ین ن‌ام‌وز‌ون	۲۶/۵	۱۹/۲	۲۲/۴	۱۴/۸	۲/۸	۳/۲	۱/۳	۲/۲
م‌ی‌ان‌گ‌ین م‌وز‌ون الف	۱۶/۳	۱۷/۱	۱۴/۸	۱۵/۱	۱/۰	۰/۵	۰/۵	۱/۵

الف: از تعداد کل تعرفه‌ها و واردات هر کشور به ترتیب بعنوان وزن‌ها استفاده شده است.

حمایت گرائی جدید در کشورهای در حال توسعه اساساً ماهیتی تدافعی دارد.

مختلف محدودیتهای کمی ارائه نشده است.

ساختار موارد شمول محدودیتهای کمی

بنابر اطلاعات ارائه شده در جدول (۸)، محدودیتهای کمی در هر پنج گروه عمده کالائی مشخص شده تقریباً در همه کشورهای مورد مطالعه وجود دارد. بطور مطلق در حدود $\frac{2}{3}$ از محدودیتهای کمی مورد استفاده توسط کشورهای مورد مطالعه در زمینه واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و حدود $\frac{1}{3}$ در مورد کالاهای مصرفی و اساساً بی دوام بکار می‌رود. البته بطور نسبی، ساختار چنین موارد شمولی کمتر قابل تفکیک است. در واقع هم میانگین موزون و هم ناموزون شاخصهای فراوانی هر گروه کالا برای موارد مشمول محدودیت‌های کمی ساختاری شبیه ساختار ویژه تعرفه‌های حمایتی در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهند. بنابراین، بزرگترین فراوانیهای نسبی - به ترتیب نزولی - در مورد نوشیدنی‌ها و دخانیات، کالاهای مصرفی با دوام و کالاهای مصرفی بی دوام و با فاصله، زیاد در مورد کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای یافت می‌شود.

و یا برحسب هر مورد، جواز مربوطه به راحتی اعطا می‌گردد. این شیوه‌ها بطور گسترده‌ای در غنا، جمهوری کره، قبرس، سریلانکا، بنگلادش و اندونزی بکار می‌روند و عمدتاً بعنوان یک سیستم نظارتی بر واردات کالاهای ویژه عمل می‌کنند. بنابراین، این نوع اعطای جواز وارداتی می‌تواند آزاد و بدون قید و شرط باشد. اما موقعی که احساس گردد که این واردات - به هر دلیلی - باید تنظیم شود، اجازه برحسب مورد، الزامی می‌شود و این وضعیت بخوبی می‌تواند به سهمیه بندی وارداتی حقیقی تبدیل گردد. یک حالت دیگر در ارتباط با صدور جوازهای استثنائی برای کالاهایی که ممنوع هستند وجود دارد:

در مورد کشورهای مورد مطالعه ما، نیجریه و پاکستان از این روش بطرز گسترده‌ای استفاده می‌کنند و شاخصهای فراوانی آنها به ترتیب $\frac{44}{3}$ و $\frac{36}{5}$ درصد می‌باشد و ارزش شاخصهای پوششی مربوطه نیز به ترتیب $\frac{52}{1}$ و $\frac{34}{8}$ درصد می‌باشد که نمایانگر آن است که صدور یک جواز وارداتی در این کشورها خیلی استثنائی نیست. در مطالعه ساختار متعلق به حوزه محدودیتهای کمی که در بخش بعد ارائه می‌گردد، ملاحظات بیشتری در مورد انواع

جدول شماره (۸): شاخصهای فراوانی و پوششی کل محدودیت‌های کمتی برای گروههای کالائی عمده صنعتی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه

V		IV		III		II		I		گروه کالائی
FI	CI	FI	CI	FI	CI	FI	CI	FI	CI	
-	-	۰/۱	۰/۰	-	-	۷۲/۷	۰/۰	۰/۸	۰/۰	جم‌هیر عربی لیبی
۶۰/۶	۶۶/۸	۶۳/۲	۴۳/۰	۹۱/۳	۹۹/۳	۸۵/۷	۸۳/۴	۸۴/۸	۸۴/۵	غنا
۸/۵	۱۸/۷	۱۷/۴	۱۴/۷	۳۱/۹	۸۰/۷	۱۲/۹	۵/۶	۵۷/۹	۱۹/۰	کنیا
۱/۵	۱/۰	۳/۸	۱۱/۳	-	-	-	-	۶/۱	۲۲/۹	لیبیریا
۶۱/۰	۶۰/۱	۴۵/۷	۴۱/۸	۸۰/۰	۸۸/۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۷۰/۸	۵۲/۶	نیجریه
۴/۲	۹/۲	۲/۶	۵/۷	۱۰/۹	۸۰/۹	-	-	۱/۴	۷/۱	توگو
۱/۲	۲۵/۷	۲/۱	۵/۴	۳۵/۲	۷۹/۲	۷۲/۴	۹۹/۷	۳۲/۴	۴۱/۸	مکزیک
۳۱/۹	۵۵/۹	۲۰/۰	۴۱/۲	۱۵/۳	۷۰/۹	۶/۱	۵۲/۰	۳۷/۲	۳۸/۵	تونس
۵/۷	۲/۳	۱۵/۷	۱/۲	۱/۷	۰/۰	-	-	۲/۶	۰/۸	عربستان سعودی
۵۳/۸	۵۷/۹	۱۸/۹	۳۳/۴	۴۰/۳	۹۱/۴	۳/۷	۵/۸	۱۸/۸	۸۵/۹	سنگلادش
۴۳/۲	۵۳/۶	۱۷/۸	۳۰/۷	۱۶/۳	۵۱/۳	-	-	۴/۴	۷۹/۷	سریلانکا
۱۴/۰	۵۰/۱	۱۲/۶	۱۹/۷	۱۴/۳	۴۷/۵	-	-	۲/۷	۱۱/۹	اندونزی
۳۸/۴	۵۱/۲	۸/۳	۳۶/۶	۶۰/۰	۶۶/۴	۶۴/۸	۹۹/۲	۳۷/۰	۸۵/۳	جمهوری کره
۳/۰	۰/۰	۱/۶	۶/۹	۱۱/۸	۰/۰	۲۲/۷	۸۲/۰	۳/۴	۲۸/۲	مالزی
۲۸/۶	۷۳/۱	۳۷/۲	۱۶/۸	۵۷/۴	۲۷/۴	۹۵/۰	۱۰۰/۰	۶۷/۲	۴۷/۹	پاکستان
۱۶/۴	۲۲/۳	۱۵/۸	۳۲/۱	۲۹/۳	۱۰۰/۰	۴۲/۹	۸۲/۹	۲/۲	۱/۲	فلسپین
۳/۴	۰/۹	۳/۵	۳/۶	۱۹/۶	۱/۱	۲۰/۹	۳۰/۱	۵/۳	۹/۳	سنگاپور
۷/۱	۱۴/۷	۷/۲	۵/۹	۸/۶	۴۷/۹	۲۱/۴	۷۸/۹	۹/۱	۳۲/۶	تایلند
۲۱/۳	۳۱/۳	۱۵/۸	۱۹/۵	۲۹/۱	۵۲/۹	۳۷/۶	۴۵/۵	۲۴/۷	۳۶/۱	میانگین های نامموزون الف
۱۸/۲	۲۲/۶	۱۳/۲	۱۴/۹	۲۸/۹	۲۲/۹	۳۲/۷	۲۵/۴	۲۲/۶	۸/۰	میانگین های موزون الف
	(۲۳/۷)		(۱۵/۵)		(۲۴/۸)		(۲۶/۴)		(۲۳/۳)	اجزای جم‌هیر عربی لیبی

الف: از تعداد کل تعرفه‌ها و واردات هر کشور به ترتیب بعنوان وزن‌ها استفاده شده است.

در مقایسه با ساختار ویژه تعرفه‌های حمایتی در کشورهای در حال توسعه، تنها، وضعیت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با هم عوض شده است. با در نظر گرفتن فراوانیهای نسبی، واضح است که کمترین محدودیتهای کمی، علیه واردات کالاهای واسطه‌ای اعمال می‌شود.

مع‌هذا، این میانگین‌ها تفاوت‌های شدید بین کشورها را مخفی نگه می‌دارند. اطلاعات جدول (۸) دلالت بر آن دارد که در یازده کشور، ساختاری برای موارد مشمول محدودیتهای کمی یافت می‌شود که مشابه ساختار میانگین ذکر شده در بالاست. برعکس، در مابقی (۷ کشور) محدودیتهای کمی با فراوانیهای کم و بیش یکنواختی در مورد بخشهای مختلف با بزرگترین فراوانی نسبی در مورد واردات کالاهای واسطه‌ای و یا کالاهای سرمایه‌ای اعمال می‌گردد.

چنین ساختار ویژه‌ای - که بخصوص واردات کالاهای سرمایه‌ای را به شدت توسط محدودیتهای کمی تحت تأثیر قرار می‌دهد - در کشورهایی مانند بنگلادش و سریلانکا یافت می‌شود. شاخص فراوانی محدودیتهای کمی که در این کشورها بر واردات کالاهای سرمایه‌ای اعمال می‌شود به ترتیب معادل با $۵۳/۸$ و $۴۳/۲$ درصد است. این شاخص‌ها در مورد کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای غنا، نیجریه و جمهوری کره نیز بسیار بالا می‌باشد و به ترتیب برابر است با $۶۰/۶$ و ۶۱ و $۳۸/۴$ درصد. حتی با توجه به

احتیاطی که قبلاً در ارتباط با ماهیت مهم اطلاعات مربوط به شاخصهای پوششی در نظر گرفته شده، این شاخصها که در جدول (۸) هم ارائه شده‌اند، مشاهدات زیر را نشان می‌دهند: اولاً، میانگین ناموزون شاخصهای پوششی هر بخش همان ساختاری را نشان می‌دهد که توسط میانگین‌های فراوانی، آشکار گردیده است. پوششهای تجاری هر بخش نسبت به ارزش میانگین‌های موزون مربوطه، تا اندازه‌ای ساختاری متفاوت را نشان می‌دهند. مع‌هذا، چنین ساختار متفاوتی، تنها به دلیل وزن خیلی زیاد واردات کالاهای مصرفی بی‌دوام، در مجموع کشورهای مورد مطالعه، به وجود آمده که تقریباً برابر $۲/۳$ است. در حالی که شاخص پوششی جماهیر عربی لیبی برای این بخش از کالاها مساوی با صفر می‌باشد. اگر جماهیر عربی لیبی را نادیده بگیریم، شاخصهای پوششی میانگین موزون هر بخش الگویی تقریباً در خط ساختار ارائه شده توسط شاخصهای فراوانی را نشان می‌دهند، گرچه تفاوتها در هر بخش خیلی کم تغییر می‌نمایند.

ثانیاً، مقایسه شاخصهای فراوانی و پوششی هر بخش، معرف آن است که شاخص پوششی نسبت به شاخص فراوانی اساساً از ارزشهای پایین‌تر و بالاتری برخوردار است. این امر دوباره دلالت بر اختلاف در هدف بکارگیری ضوابط



محدودیت واردات که با هدف برطرف سازی کسری تراز پرداختها اعمال گردیده باشد، میتواند باعث توسعه صنعتی گردد.

اداری از قبل وجود دارد و فقط در صورت نیاز باید تحکیم گردند.

نتایج حاصله در مورد سیستم جهانی ترجیحات تجاری (GSTP)

در این مقاله ما قادر شدیم که تنها تصویر ناقصی از ضوابط مربوط به کنترلهای تجاری در کشورهای در حال توسعه، -براساس هزینه های تعرفه ای و محدودیتهای کمی در مورد واردات کالاهای صنعتی- را ارائه دهیم. بررسیها، شامل موانع غیرتعرفه ای از قبیل اقدامات پولی و مالی جهت کنترل واردات، انحصارات تجارت دولتی و رویه های ویژه ورود کالا نمی گردد. در این مقاله امکان توجه به اثر تجمعی کاربرد همزمان چندین ضابطه کنترل های تجاری - که یک پدیده کاملاً متداول در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است- نبود و همچنین امکان توجه به کاربردهای متعدد و ناقص این ضوابط و معافیتها از کنترلهای تجاری مزبور وجود نداشت. این پیچیدگی و ابهام، ارزیابی دقیق ساختار تعرفه های حمایتی در کشورهای در حال توسعه را نسبتاً مشکل می سازد. مع هذا، اگر سطح و ساختار تعرفه ها و محدودیتهای کمی در قالب

محدودکننده دارد. در حالی که برای برخی از گروههای کالائی بنظر می رسد که هدف اصلی از این ضوابط حمایت از صنعت داخلی باشد، برای گروههای کالائی دیگر، توجه به تراز پرداختها احتمالاً در درجه اول اهمیت می باشد. بنظر می رسد اهداف حمایتی بیش از همه مربوط به کالاهای مصرفی بی دوام باشد، در حالی که محدودیتهای کمی متوجه واردات کالاهای مصرفی بادوام، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای می باشد و -در بعضی از موارد، اساساً- با هدف نظارت بروضعیت تراز پرداختها بکار گرفته می شود.

با توجه به این امر و با توجه به سهم نسبتاً بالائی از واردات کالاهای سرمایه ای - که توسط محدودیتهای کمی تحت پوشش قرار می گیرند- می توان این استنباط را کرد که گرچه همه موارد بکارگیری محدودیتهای کمی مشخص نیست ولی به نظر می رسد محدودیتهای کمی بخصوص برای کالاهای سرمایه ای، مصداق دارد. حتی آن دسته از محدودیتهائی که در مورد کالاهای سرمایه ای اعمال و در وهله اول دارای عملکردی عمدتاً نظارتی هستند، وقتی تراز پرداختها دچار مشکل شد، بطور آشکار بصورت مقرراتی محدودکننده درمی آیند. بنابراین، رویه های

مذاکرات سیستم جهانی ترجیحات تجاری دیده شود، برخی خصیصه‌ها نمایان می‌گردد. اختلاف گسترده‌ای که بین کشورها از نظر میانگین سطوح تعرفه مشاهده می‌شود، مسائل جدی متعددی را مطرح می‌سازد، اگر فرض کنیم در زمینه کاهش تعرفه‌ها سیاستی مبتنی بر کاهش خطی تعرفه‌ها در درجه اول برای همه گروه‌های کالائی در پیش گرفته شود. اولاً، تأثیر کاهش درصد تعرفه جهت بحرکت درآوردن تجارت جنوب - جنوب - در صورت بالا بودن نرخ قبلی تعرفه - ممکن است محدود باشد. یک نرخ ترجیحی، مثلاً ۶۸ درصد که بعد از ۱۵ درصد کاهش در یک نرخ اولیه ۸۰ درصد حاصل می‌شود، ممکن است هنوز یک مانع برطرف نشدنی برای کالاهای صنایع تولیدی کشورهای در حال توسعه باشد.

درثانی، همین وجود اختلافات گسترده در سطوح اولیه تعرفه، امتیازهای نابرابر و نامتوازن تعرفه‌ای را بطور مطلق باعث می‌شود، یعنی، کشورهای با تعرفه بالا میزان رجحان بالاتری رانسبت به کشورهای با تعرفه پایین ارائه می‌دهند. این امر همچنین یک توزیع نابرابر در مورد درآمدهای دولتی از دست رفته را ایجاد می‌کند. بعلاوه، امتیازات تعرفه‌ای یک کشور که دارای تعرفه‌های پایین می‌باشد، ممکن است آنقدر جزئی باشد که در رجحان تجاری کشور، تأثیری نداشته باشد. در مرحله مقلماتی مذاکرات در باره سیستم جهانی ترجیحات تجاری

(GSTP)، این مسائل مورد توجه کافی قرار گرفت، اما با این همه شیوه کاهش خطی درصد تعرفه نسبت به رویه‌های مختلف متوازن ساختن تعرفه‌ها (مانند میزان کاهش تعرفه‌ها برحسب درصد امتیازی، کاهش غیریکنواخت تعرفه‌ها و فرمولهای هماهنگ کردن تعرفه‌ها) مرجح بوده است.

بنابراین، مسئله نابرابری امتیازات همچنان نقشی را در مذاکرات مذکور ایفا خواهد کرد. گرچه این مورد بیش از همه به کشورهایی با حداقل درجه توسعه‌یافتگی و بالا ترین سطوح تعرفه مربوط می‌گردد. بنابر اطلاعات، روندی نزولی از سطوح تعرفه در کشورها وجود دارد، که چنانکه تجزیه و تحلیل رگرسیونی آشکار می‌سازد، واریانس موجود تا حدودی توسط تفاوت سطوح درآمد سرانه توضیح داده می‌شود. جهت افزایش تمایل کشورها برای پیوستن به سیستم جهانی ترجیحات تجاری (GSTP) قابل توصیه می‌باشد که درصد کاهش خطی تعرفه‌ها را با سطح درآمد هر کشور مرتبط ساخته، بطوری که کشورهای با تعرفه بالا و درآمد پایین، با درصد کمتری از کاهش مواجه شوند. یکی از ملاحظات در مذاکرات می‌تواند این باشد که در بین کشورهای با درآمد پایین علاوه بر گروه کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی، گروه‌های با درآمد متوسط و بالا را نیز متمایز ساخت.

این رویه امتیازات را متوازن می‌کند و کاهش درآمدهای دولتی را تخفیف می‌دهد.

موانع تجاری در مبادلات بین کشورهای در حال توسعه ۸۷

در کشورهای در حال توسعه، کاهش مصرف کالاهای تجملی از طریق اعمال مالیات یا برقراری موانع وارداتی، یا هر دو، متداول است.

صحیح می‌باشد. نتایج تجزیه و تحلیل بیانگر آن است که جایگزینی بین تعرفه‌ها و محدودیتهای کمی بیش از همه در مورد نظام وارداتی کالاهای سرمایه‌ای مصداق دارد.

در انعکاس ساختار ویژه حمایت در کشورهای در حال توسعه، در درجه اول اهمیت باید اشاره کرد که با توجه به فراوانی نسبی کارگر در این کشورها، صنایع کاربر کالاهای مصرفی هنوز از بالا ترین سطح حمایت برخوردارند، این امر به روشنی وجود نیروهای دفاع کننده از صنایع جایگزین واردات را در مرحله اول چنین سیاستی، نشان می‌دهد.

ثانیاً، در حالت برخورد کلی نسبت به کاهش تعرفه (بصورت کاهش خطی درصد تعرفه) این صنایع بطور دقیق مواجهه با بالا ترین میزان ترجیحات تعرفه‌ای می‌باشند. ثالثاً، برخلاف وضعیت فوق میزان ترجیحات تعرفه‌ای برای کشورهای در حال توسعه، نسبت به کالاهای سرمایه‌ای در کمترین میزان می‌باشد و این در حالی است که سطح پایین حمایت از کالاهای سرمایه‌ای انگیزه‌ای را جهت شروع فرآیند جایگزینی واردات کالاهای سرمایه‌ای در مقیاس بزرگ در کشورهای جنوب ایجاد

در سطح کالا، چنین رویه‌ای ممکن است نیاز به استثنائات را نسبت به قانون عمومی محدود کند.

آمار به روشنی نشان می‌دهد که از نظر تأثیر بر بخش‌های مختلف تولیدات صنعتی، هم تعرفه‌ها و هم محدودیت‌های کمی ساختار مشابهی ارائه می‌دهند، البته با درک این موضوع که، محدودیتهای کمی با فراوانی نسبتاً بزرگتری متوجه واردات کالاهای سرمایه‌ای می‌باشند. بنابراین، کالاهای مصرفی از سطح حمایت خیلی بالاتری نسبت به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای برخوردار هستند.

ساختارهای تعرفه‌ای و محدودیتهای کمی متقابلاً در حال تقویت شدن هستند و این البته در برگیرنده ریسک تبدیل تعرفه‌ها به محدودیتهای کمی در نظامهای تجاری است. در چنین حالتی حتی نیاز به یک تغییر، اختیاری نیست. اگر بیش از یک ضابطه برای کنترل تجارت وجود داشته باشد، این امر قابل تصور است که کاهش در یکی، باعث افزایش تأثیر دیگری شود. چنین موضوعی صرف نظر از ثابت بودن موانع غیرتعرفه‌ای — همانطور که در طی مذاکرات (GSTP) مورد توافق واقع شده است —

حمایتی خود کشورهای در حال توسعه یک سیستم حمایتی بوجود آورده است که به نفع صنایع مصرفی می‌باشد (که به سختی می‌توان آن را از میان برد). و از طرف دیگر، انگیزه‌های کافی جهت بهبود تجارت جنوب - جنوب در زمینه کالاهای سرمایه‌ای وجود ندارد، که این امر زمینه اصلی مورد درخواست برای یک سیستم جهانی ترجیحات تجاری (GSTP) باشد.

در نتیجه، برای اینکه در زمینه کالاهای سرمایه‌ای یک تحرک حقیقی به تجارت جنوب - جنوب داده شود، ترتیبات اضافی دیگری در مورد ترجیحات تجاری، که دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقدامات باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

نمی‌کند. این موضوع حتی صحیح‌تر بنظر می‌رسد که توجه کنیم که میانگین تعرفه‌ها برای کالاهای سرمایه‌ای که در این مطالعه ارائه شده است براساس تعرفه‌های قانونی هستند و نه براساس حقوق گمرکی که عملاً بکار برده می‌شوند. در زمینه مشوقهای ویژه جهت افزایش صادرات تولیدات صنعتی، «معافیت‌های تعرفه‌ای بر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که در تولید کالاهای صادراتی بکار می‌روند»، یک پدیده معمول در تعداد روزافزونی از کشورهای در حال توسعه شده‌اند. در چنین مواردی تعرفه حمایتی و در نتیجه دامنه‌ای از ترجیحات تعرفه‌ای ممکن، می‌تواند وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، از یکطرف، سیاست

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به نقل از:

Harmen Uerbruggen, «GSTP, The Structure of Protection and South - South Trade in Manufactures», *UNCTAD Review*, vol. 1, No. 2. 1989, pp. 23-40.